

ضمانت اجرای شرط ترک فعل حقوقی

○ عاتکه قاسم زاده*

○ خدیجه مرادی**

چکیده

ضمانت اجرای شرط ترک فعل حقوقی از جمله مسائلی است که کمتر به آن پرداخته شده، اما در عین حال، از امور اختلافی در میان فقها و به دنبال آن حقوق دانان است. سه قول درباره وضعیت عمل حقوقی مخالف شرط ترک فعل وجود دارد که در این مقاله به نقد و بررسی آنها پرداخته شده است:

۱. صحت فعل حقوقی مذکور همراه با حق فسخ برای مشروط له

۲. بطلان فعل حقوقی مخالف شرط ترک فعل حقوقی

۳. غیرنافذ بودن عمل حقوقی منافی شرط.

* کارشناس ارشد فقه و حقوق اسلامی مدرسه عالی شهید مطهری (ره).

** استادیار دانشگاه رازی.

با توجه به استدلال‌های فقها و حقوق دانان که در مقاله ذکر شده است، قول دوم، یعنی بطلان عمل حقوقی مخالف شرط ترک فعل حقوقی از قوت بیشتری برخوردار بوده و قول راجح است.

کلیدواژه‌گان: فعل حقوقی، شرط ترک فعل حقوقی، ضمانت اجرا، صحت، بطلان، عدم نفوذ.

مقدمه

یکی از مباحث مهم در فقه و حقوق مدنی در باب عقود و معاملات، بحث از اقسام شروط و احکام آنهاست. با توجه به این که شرط، جزئی از قرارداد محسوب می‌شود، لزوم وفا به کل عقد، شامل شرط نیز می‌شود. از این رو، این پرسش مطرح است که چه ضمانت‌اجرایی برای امتناع از التزام به مفاد شروط وجود دارد؟ البته، بحث در این مقاله، مربوط به کل شروط نخواهد بود؛ بلکه فقط یکی از موارد جزئی اقسام شروط یعنی شرط «ترك فعل» مورد نظر است.

قبل از این که بررسی چگونگی وضعیت عمل حقوقی مخالف شرط ترك فعل حقوقی را شروع کنیم و به مسأله اصلی مقاله بپردازیم، لازم است برای وضوح جایگاه شرط ترك فعل حقوقی در بحث شروط، مطالبی را به عنوان مقدمه ذکر کنیم: شرط در مواردی بر تعهدی مستقل و ابتدایی گفته می‌شود، اما غالباً این کلمه به امری که ضمن قراردادی به آن تعهد شده است، اطلاق می‌شود. در این مقاله این معنا از شرط مد نظر است. شروط ضمن عقد را می‌توان به شروط باطل و صحیح تقسیم کرد: شروط باطل به دو قسم شروط باطلی که مفسد عقد هستند و شروط باطلی که مفسد عقد نیستند، تقسیم می‌شوند. شروط صحیح نیز سه قسم است: ۱- شرط صفت ۲- شرط فعل، اثباتاً یا نفیاً ۳- شرط نتیجه^۱.

۱. قانون مدنی، مواد ۲۳۴-۲۳۲.

شرط فعل آن است که اقدام یا عدم اقدام به فعلی بر یکی از متعاملین یا بر شخص خارجی شرط شود. این شرط نیز به نوبه خود به دو قسم: شرط فعل مثبت و شرط فعل منفی تقسیم شده است، شرط فعل اعم از مثبت و منفی می تواند عمل مادی یا حقوقی باشد. ضمانت اجرای شرط فعل مثبت مادی و حقوقی و شرط ترك فعل مادی در مواد ۲۳۷ و ۲۳۸ و ۲۳۹ قانون مدنی بیان شده است. البته، بنابر نظر گروهی از فقها و حقوق دانان، ضمانت اجرای شرط ترك فعل حقوقی نیز همان است که در این مواد ذکر شده است. اما در حالی که این مورد از جمله مسایل اختلافی محسوب می شود، نه در کتب حقوقی و نه در کلام فقها به طور مستقل مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است. بنابراین، باید موضوع را در مباحث متفاوت جستجو کرد و آرای فقها و حقوق دانان را به دست آورد.

بنابر بررسی صورت گرفته، سه ضمانت اجرای مستقیم برای شرط ترك فعل حقوقی ذکر شده است که بنابر این ضمانت ها، وضعیت فعل حقوقی که مخالف شرط ترك فعل حقوقی واقع شده است، روشن می شود:

۱- صحت فعل حقوقی همراه با حق فسخ برای مشروط^۱له.

برخی از حقوق دانان^۲ بر این نظرند که ضمانت اجرای ترك فعل حقوقی، همان مواد مندرج در شرط فعل، یعنی مواد ۲۳۷ و ۲۳۸ و ۲۳۹ قانون مدنی است. بنابر ماده ۲۳۷ قانون مدنی و عموم ادله وفا به شرط، یعنی «اوفوا بالعقود» و «المؤمنون عند شروطهم» و ... هرگاه مشروط^۳ علیه، ملتزم به انجام شرطی شده باشد، باید آن را به

۲. اکثر حقوق دانان بعد از تعریف شرط فعل، برای وضوح بیشتر ترك فعل، مثال ترك فعل حقوقی را عنوان کرده و سپس به بررسی ضمانت اجرای تخلف از شرط فعل پرداخته اند و هیچ تمایزی برای ضمانت اجرای شرط ترك فعل حقوقی قائل نشده اند. با توجه به این نکته به نظر می رسد که این دسته از حقوق دانان به این قول معتقد باشند.

انجام برساند و تفاوتی ندارد که این شرط مثبت باشد یا منفی .

براساس ماده ۲۳۷ ق. م، در صورت تخلف مشروط‌علیه، می‌توان به حاکم رجوع کرده و درخواست اجبار وفای به شرط کرد. اگر اجبار مشروط‌علیه ممکن نیست مثل این که شخص از مملکت خارج شده و در حال حاضر تحت سلطه حکومت نیست، اما انجام شرط به وسیله شخص دیگری مقدور است، حاکم می‌تواند به خرج ملتزم، موجبات انجام آن فعل را فراهم کند (ماده ۲۳۸ ق. م)، در نهایت، اگر انجام هیچ کدام از این دو طریق ممکن نباشد، بنابر ماده ۲۳۹ ق. م، مشروط‌آله حق فسخ معامله را خواهد داشت.^۳

با توجه به آنچه بیان شد، اجبار مشروط‌علیه بر ترك فعل حقوقی به این صورت خواهد بود که هرگاه نشانه‌های تخلف از شرط، از سوی مشروط‌علیه ظاهر شد، مشروط‌آله می‌تواند از دادگاه بخواهد که مشروط‌علیه را به ترك تخلف از شرط اجبار کند، اما در صورت تخلف و ارتکاب عملی که ترك آن شرط شده است، محل وفا به شرط از بین رفته و در نتیجه، اجبار امکان پذیر نخواهد بود. بنابراین حق فسخ برای مشروط‌آله ایجاد می‌شود.^۴

این دیدگاه به طور صریح در ضمن بحث شرط عدم عزل وکیل، در عقد لازم این گونه بیان شده است:

ضمن عقد لازم، موکل تعهد می‌کند که از حق عزل استفاده نکند. در این حالت، حق عزل از بین نمی‌رود و هرگاه برخلاف شرط آن را به کار برد، عزل نفوذ خود را دارد و وکالت را منحل می‌سازد. ولی کسی که شرط عدم عزل به سود او شده است، می‌تواند عقد لازم را فسخ کند.^۵

۳. طاهری، حقوق مدنی، ج ۲، ص ۱۰۴، شهیدی، حقوق مدنی، ج ۳، ص ۹۱-۹۳، قاسم زاده، حقوق مدنی، ص ۱۴۱-۱۴۳.

۴. سعادت مصطفوی، ضمانت اجرای تخلف از شرط ترك فعل حقوقی، ص ۱۹۰.

۵. ناصر کاتوزیان، حقوق معین، ج ۴، ص ۲۰۶.

شرط ترك فعل حقوقی با عنوان عدم تزویج مجدد، در ضمن عقد نکاح نیز مبتلی به است و بسیاری از فقها نیز این شرط را صحیح دانسته و عمل به آن را لازم و واجب عنوان کرده اند.^۶ اما هیچ یک از فقهای که کتب آنها مورد بررسی قرار گرفت، قائل به حق فسخ برای مشروطه در نکاح نشده اند، بلکه بعضاً ازدواج دوم را نیز صحیح دانسته اند. برای نمونه، در فتوایی آمده است:

جایز است که زوجه بر زوج در عقد نکاح یا غیر آن، عدم ازدواج مجدد را شرط نماید و زوج نیز ملزم به عمل بنابر شرط است. اما اگر زوج برخلاف شرط مذکور ازدواج نماید، عقد ازدواج او صحیح خواهد بود.^۷

بنابر نظر برخی از فقها، نباید حکم نکاح را با حکم دیگر عقود در این ضمانت اجرا یکی دانست؛ زیرا از نظر فقهی، عوامل انحلال نکاح مشخص و محدود به طلاق یا فسخ یا انقضای مدت یا بذل و امثال آن است. قانون مدنی نیز به پیروی از فقه، عوامل انحلال نکاح را دقیقاً مشخص کرده و چنین خیاری را برای یکی از طرفین قرار نداده است.^۸

۲- بطلان عمل حقوقی مخالف شرط ترك فعل

فقها در مباحث فقهی متعددی همچون شرط عدم اعمال خیار مجلس، شرط عدم اجاره عین مستأجره و شرط عدم نکاح مجدد و... وضعیت حقوقی فعل مخالف شرط

۶. وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۱۸؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۱۰۲؛ الفیاض، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۵۷؛ خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۲۸۰ و ۲۸۱.

۷. وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۱۸.

۸. محقق داماد، تحلیلی در باره شروط ضمن عقد نکاح، صدر، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۲۶۶.

ترك فعل حقوقی را بعضاً بطلان دانسته اند که به بیان برخی از آنها می پردازیم:

شیخ انصاری^۹ و برخی از فقهای معاصر^{۱۰} در نحوه اشتراط سقوط خیار مجلس، عمل فسخ مشروطاً علیه بعد از شرط عدم اعمال خیار مجلس را لغو و بی اثر اعلام می کنند. زمانی که شخصی ضمن عقد بیع، از طریق شرط، متعهد می شود که خیار مجلس را اعمال نکند، چنانچه تخلف کرده و اقدام به فسخ کند، از آنجا که شرط عدم فسخ بنا بر ادله و جوب و فا برای مشروطاً ایجاد حق می کند، مشروطاً له می تواند مشروطاً علیه را برانجام آن اجبار کند. بدیهی است که این مطلب دلالت بر ثبوت حق برای مشروطاً له می کند؛ زیرا تا او دارای حقی نباشد، نمی تواند آن را مطالبه کند.^{۱۱}

بعد از اثبات وجود حق برای مشروطاً له، باید دید آیا این حق، مانع از تصرف در متعلقش است یا خیر؟ حقوق، در این مقام دو دسته است: ۱- حقوقی که استیفای آنها مستلزم منع از تصرف در آنها نیست مثل حق جنایت ۲- حقوقی که استیفای آنها مستلزم منع از تصرف در آنهاست مثل حق رهن که مرتهن امکان بهره برداری دین خود از عین مرهونه را مادامی که عین در ملک بدهکار باقی است، دارد. لذا، اگر بدهکار آن را به دیگری منتقل کند، بهره برداری حق مرتهن از آن عین از بین می رود، پس برای حفظ حق او، نباید انتقال آن بدون اجازه مرتهن نافذ باشد. حق متعلق به عدم فسخ نیز از این قبیل است؛ چون به واسطه فسخ، دیگر مجالی برای استیفای حق باقی نمی ماند؛ چون موجب انحلال عقد و عدم بقای موضوع است، در نتیجه، موجب از بین رفتن حق مشروطاً له می شود. لذا، نباید نافذ شناخته شود. به عبارت دیگر: ^{۱۲} «چون پذیرش نفوذ تصرفات منافی در متعلق

۹. المكاسب، ج ۵، ص ۵۶ و ۵۷.

۱۰. سید محمد روحانی، المرقی الی الفقه الارقی، ج ۵، ص ۲۶۸ و ۲۶۹.

۱۱. سعادت مصطفوی، همان، ص ۱۷۵ و ۱۷۶.

۱۲. سید محمد روحانی، همان، ج ۱، ص ۱۳۱.

حق، به معنای انکار تحقق آن حق است و این امر از نظر عقلی قابل پذیرش نیست؛ زیرا غرض از ثبوت حق برای هر شخصی، امکان استیفای او از آن حق است و این غرض با پذیرش نفوذ تصرفات منافی با آن به هیچ عنوان سازگار نمی باشد؛ چون فرض وجود حق و امکان بهره برداری از آن، با فرض نفوذ عملی در متعلق همان حق که مساوی با زوال آن است، با هم قابل جمع نمی باشد.^{۱۳}

نکته قابل توجه اینکه مطالب مطرح شده در مورد شرط عدم فسخ و همچنین آنچه در آینده مطرح خواهد شد، کلیت داشته و قابل تسری به تمامی شروط ترك فعل حقوقی است.

برخی از فقها^{۱۴}، ذیل بحث اشتراط عدم اجاره عین مستأجره، دو وجه را بر شمرده اند: ۱- تصرف مخالف شرط، باطل است. ۲- تصرف مخالف شرط، موجب حق خیار برای مشروط له می شود. برخی دیگر^{۱۵} اقرب دو وجه را بطلان دانسته است. اگر چه در حقوق نیز بنابه نظر برخی محققین، قانون مدنی حکم این فرض یعنی تخلف از شرط ترك فعل حقوقی را به صراحت بیان نکرده است، اما در موارد مختلفی، چنین عملی را باطل دانسته است؛ از جمله در ماده ۴۵۴ ق. م. مقرر داشته است:

هرگاه مشتری مبیع را اجاره داده باشد و بیع فسخ شود، اجاره باطل نمی شود مگر اینکه عدم تصرفات ناقله در عین و منفعت، بر مشتری صریحاً یا ضمناً شرط شده باشد که در این صورت اجاره باطل است.

همچنین ماده ۴۵۵ ق. م. بیان داشته است:

اگر پس از عقد بیع، مشتری تمام یا قسمتی از مبیع را متعلق حق غیر قرار

۱۳. سعادت مصطفوی، همان، ص ۱۷۹.

۱۴. طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ص ۷۶ و ۷۷؛ روحانی، عروة الوثقی، ج ۲، ص ۳۱۶؛ خویی، کتاب اجاره، ص ۲۸۰ و ۲۸۱؛ حکیم، مستمسک العروة، ج ۱۲، ص ۹۰ و ۹۱.

۱۵. محقق داماد، قواعد فقه، بخش مدنی، ص ۲۴۱.

دهد مثل آنکه کسی رهن گذارده، فسخ معامله موجب زوال حق شخص

مزبور نخواهد شد مگر این که شرط خلاف شده باشد.

ذیل هر دو ماده صراحت دارد که اگر عدم اجاره یا عدم رهن شرط شده باشد،

اقدام به اجاره و یا رهن اثری ندارد و اجاره و رهن انجام گرفته، باطل و بی اثر است.^{۱۶}

در کتاب قواعد فقه نیز آمده است:

ذکر این نکته ضروری است که هر چند عقدی که فسخ می شود، شرایط ضمن آن،

به تبع آن، بی گمان کان لم یکن خواهد بود، ولی ناگفته پیداست که در دو ماده

۴۵۴ و ۴۵۵ شرط عدم تصرفات به وسیله مشتری در ضمن عقد، مورد توافق

طرفین قرار گرفته و مشتری قبل از تحقق فسخ به تصرفات در منفعت مبادرت

ورزیده و میباید را اجاره داده یا رهن گذاشته است. بنابراین، اقدام مشتری در زمانی

انجام گرفته که هنوز عقد و شروط ضمن آن به قوت خود باقی بوده و ضمانت

اجرای خود را که عبارت است از مانعیت از تأثیر عقد اجاره داشته است.^{۱۷}

به گفته یکی از حقوقدانان،^{۱۸} ماده ۴۷۴ ق. م که مقرر داشته است: «مستأجر

می تواند عین مستأجره را اجاره بدهد، مگر اینکه در عقد اجاره خلاف آن شرط

شده باشد»، نیز بر بطلان عمل حقوقی که شرط ترك آن شده است، دلالت دارد.

در یک پژوهش فقهی نیز در این زمینه آمده است:

حال سؤالی که مطرح می شود این است که آیا این موارد که در ارتباط با این دو عمل

حقوقی بیان شده اند، درباره دیگر شروط ترك اعمال حقوقی هم صادقاند؟ در پاسخ

باید گفت ذکر این دو عمل حقوقی بیانگر هیچ خصوصیت ممتازی در آنها نمی باشد

بلکه از باب مثال بوده و هیچ استدلالی نمی تواند در خصوص این دو عمل، حکم

۱۶. محقق داماد، قواعد فقه، ص ۵۰.

۱۷. محقق داماد، تحلیلی در باره شروط ضمن عقد نکاح.

۱۸. ناصر کاتوزیان، قانون مدنی در نظم کنونی، ۱۳۸۳، ص ۳۴۹.

مزبور را ثابت نماید و آنرا قابل تسری به مواد دیگر نداند لذا از باب تنقیح مناط قطعی، حکم موجود در این مواد را باید در همه شروط ترك فعل حقوقی جاری دانست و در موارد تخلف از این شروط، معتقد به باطل بودن اعمال مذکور شد.^{۱۹} علاوه بر آنچه گذشت، فقها برای صحت قول به بطلان عمل حقوقی مخالف شرط ترك فعل حقوقی، استدلال دیگری نیز بیان کرده و گفته اند:

زمانی که شرطی به طور صریح و شرعی واقع شود، ادله وجوب شروط، الزام نسبت به وفا به آن را پدید می آورند تا مخالفتی نسبت به حکم شرع واقع نگردد. به این ترتیب که شارع به واسطه این ادله، قدرت شرعی را در عالم اعتبار از مشروط علیه سلب می کند. بنابراین، افعالی که مشروط به قدرت شرعی هستند مثل عقود و ایقاعات و معاوضات که نیاز به تنفیذ از طرف شارع دارند، در صورتی که در زمان فقدان قدرت واقع شوند، کان لم یکن و بی اثر خواهند بود و قهراً هیچ گونه اثر حقوقی بر آنها بار نمی شود؛ زیرا که مشروط علیه با پذیرش شرط، سلطنت و قدرت شرعی بر انجام هر نوع فعلی را که با انجام مشروط به منافات داشته باشد از خود سلب نموده است. به عبارت دیگر، مشروط به با التزام مشروط علیه، ممتنع شرعی شده است. با توجه به اینکه «الممتنع شرعاً کالممتنع عقلاً»، تخلف از شرط هیچ گاه فرض نخواهد شد؛ زیرا امکان انجام آن عمل حقوقی که مشروط علیه متعهد بر ترك آن شده، هیچ گاه وجود ندارد. گرچه مشروط علیه اقدام به تخلف کند. تخلف هرگز واقع نمی شود.^{۲۰}

در بحث شرط عدم تزویج که یکی از موارد شرط ترك فعل است، اقوال متعددی میان فقها وجود دارد:

۱۹. سعادت مصطفوی، همان، ص ۱۹۲.

۲۰. موسوی بجنوردی، شرط ترك فعل ازدواج مجدد زوج در ضمن عقد؛ محقق داماد، قواعد فقه، بخش مدنی، ص ۴۸.

۱. بسیاری از فقها شرط عدم نکاح را مخالف با شرع و در نتیجه باطل دانسته اند. ۲۱

۲. گروهی این شرط و عقد نکاحی را که در مخالفت با این شرط صورت گرفته است صحیح دانسته اند. ۲۲

۳. تعداد معدودی از فقها، قائل به صحت شرط و بطلان ازدواج مجدد شده اند. ۲۳

۳. غیرنافذ بودن عمل حقوقی منافی شرط

در میان کتب فقهی و حقوقی که توسط نگارنده مورد بررسی قرار گرفته، این قول در بین فقها قائلی نداشته و در میان حقوق دانان نیز کمتر مورد توجه قرار گرفته است و فقط در دو مقاله مطرح شده است. ۲۴

نتیجه

بنابر آنچه گذشت، به نظر می رسد استدلال هایی که ذیل قول بطلان عمل حقوقی منافی شرط آمده، از قوت بیشتری برخوردار است، بنابراین، قول دوم - قول به بطلان عمل مخالف شرط بر ترك فعل - که بسیاری از فقها و حقوق دانان نیز آن را برگزیده اند قول صحیح در مسئله خواهد بود.

۲۱. ابن ادریس حلی، سرائر، ج ۲، ص ۵۸۹؛ طوسی، الخلاف، ج ۴، ص ۳۸۸، حسن بن یوسف، حلی، قواعد الاحکام، ج ۳، ص ۷۶، الجبعی العاملي، مسالک الافهام، ج ۸، ص ۲۴۵؛ ابوالقاسم، حلی، شرائع الاسلام، ج ۲، ص ۵۵۱، کرکی، جامع المقاصد، ج ۱۳، ص ۳۰۲؛ الموسوی الخمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۳۰۲.

۲۲. خوبی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۲۸۱ و ۲۸۰؛ الفیاض، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۵۷؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۱۰۲.

۲۳. حکیم، مستمسک العروة الوثقی، ج ۲، ص ۴۳ به نقل از سعادت مصطفوی، ضمانت اجرای تخلف از شرط ترك فعل حقوقی، ص ۱۸۱؛ موسوی بجنوردی، همان.

۲۴. حسینی، ضمانت اجرای تخلف از شرط فعل منفی حقوقی، ص ۴۴ و ۴۵؛ اصلانی، ضمانت اجرای شرط ترك فعل حقوقی از منظر فقه امامیه و حقوق مدنی ایران با رویکردی بر آرای امام خمینی (ره)، ص ۱۹.

فهرست منابع

۱. اصلانی، حمیدرضا، «ضمانت اجرای شرط ترك فعل حقوقی از منظر فقه امامیه و حقوق مدنی ایران با رویکردی بر آرای امام خمینی (ره)»، متین، فصلنامه علمی- پژوهشی امام خمینی و انقلاب اسلامی، شماره ۳۶، ۱۳۸۶.
۲. امامی، سید حسن، حقوق مدنی، تهران، کتابفروشی اسلامیة، چاپ شانزدهم، ۱۳۷۵.
۳. انصاری، مرتضی، المكاسب، قم، المؤتمر العالمي بمناسبة الذكرى المئوية الثانية لميلاد الشيخ الانصاری، چاپ اول، ۱۴۲۰.
۴. الجبعی العاملی، زین الدین، مسالك الافهام، قم، مؤسسة المعارف الاسلامیه، چاپ اول، ۱۴۱۶.
۵. حسینی، سید محمدباقر، «ضمانت اجرای تخلف از شرط فعل منفی حقوقی»، دادرسی، شماره ۵۸، ۱۳۸۵.
۶. حکیم، سید محسن، مستمسک العروه، قم، منشورات مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفی، ۱۴۰۴.
۷. حلی، ابن ادريس، السرائر، قم، مؤسسة النشر الاسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، چاپ دوم، ۱۴۱۰.
۸. حلی، ابوالقاسم جعفر بن حسن، شرايع الاسلام، تهران، استقلال، چاپ دوم، ۱۴۰۹.
۹. حلی، حسن بن يوسف، قواعد الاحكام، قم، مؤسسة النشر الاسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، چاپ اول، ۱۴۰۹.
۱۰. خویی، ابوالقاسم، منهاج الصالحين، قم، مدينة العلم، چاپ بیست و هشتم، ۱۴۱۰.
۱۱. _____، كتاب الاجارة، قم، انتشارات لطفی، ۱۳۶۵.

- ۱۲ . روحانی، سید محمد، المرتقی الی الفقه الأرقی، بی جا، دارالجلی، چاپ اول، ۱۳۷۸ .
- ۱۳ . روحانی، سید محمد صادق، العروة الوثقی، بی جا، مدرسة الامام الصادق(ع) للسید الروحانی، چاپ اول، ۱۴۱۲ .
- ۱۴ . _____، منهاج الفقاهه، بی جا، بی نا، چاپ چهارم، ۱۳۷۶ .
- ۱۵ . سعادت مصطفوی، سیدمصطفی، «ضمانت اجرای تخلف از شرط ترك فعل حقوقی»، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق(ع)، ماده ۲۴، ۱۳۸۳ .
- ۱۶ . سیستانی، سید علی، منهاج الصالحین، قم، مکتب آیه الله العظمی السید السیستانی، چاپ اول، ۱۴۱۶ .
- ۱۷ . شهیدی، مهدی، حقوق مدنی «تعهدات»، تهران، انتشارات مجد، چاپ چهارم، ۱۳۸۳ .
- ۱۸ . صدر، سیدمحمد، منهج الصالحین، بیروت، دارالاضواء، چاپ اول، ۱۴۲۲ .
- ۱۹ . صفایی، سید حسین، دوره مقدماتی حقوق مدنی «قواعد عمومی قراردادها»، تهران، نشر میزان، چاپ چهارم، ۱۳۸۷ و چاپ اول، ۱۳۸۵ .
- ۲۰ . طاهری، حبیب الله، حقوق مدنی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۷۵ .
- ۲۱ . طباطبایی یزدی، سیدمحمدکاظم، العروة الوثقی، قم، مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین بقم المشرفة، چاپ اول، ۱۴۲۰ .
- ۲۲ . طوسی، محمد بن الحسن، الخلاف، قم، مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین بقم المشرفة، ۱۴۱۴ .
- ۲۳ . الفیاض، محمداسحاق، منهاج الصالحین، قم، مکتب سماحة السید محمداسحاق الفیاض، چاپ اول، بی تا .

۲۴. قاسم زاده، سیدمرتضی، حقوق مدنی اصول قراردادها و تعهدات نظری و کاربردی، تهران، نشر دادگستر، چاپ اول، ۱۳۸۳.
۲۵. کاتوزیان، ناصر، عقود معین، تهران، شرکت چاپ و انتشارات، چاپ چهارم، ۱۳۸۲.
۲۶. _____، قانون مدنی در نظم کنونی، تهران، نشر میزان، چاپ دهم، ۱۳۸۳.
۲۷. کرکی، علی بن الحسین، جامع المقاصد، قم، مؤسسه آل البیت (ع) لایحه التراث، چاپ اول، ۱۴۱۱.
۲۸. محقق داماد، سید مصطفی، «تحلیلی در باره شروط ضمن عقد نکاح»، ۸۷/۴/۳۱.
- www.dadsetan.ir/newver/maghalat.asp?newcod=841221_khanevade21
۲۹. _____، «تحلیل ماده ۴۵۴ قانون مدنی»، ۱۳/۵/۱۳۸۷.
- www.ghavanin.ir/paper_detail.asp?id=668
۳۰. _____، قواعد فقه، بخش مدنی، تهران، انتشارات سمت، چاپ پنجم، ۱۳۸۱.
۳۱. الموسوی الخمینی، روح الله، تحریر الوسیله، نجف، دارالکتب العلمیه، چاپ دوم، ۱۳۹۰.
۳۲. موسوی بجنوردی، سیدمحمد، «شرط ترك فعل ازدواج مجدد زوج در ضمن عقد نکاح»، ۱۳۸۷/۵/۱۳.
- www.hoghooghdanan.com/lawblog/article201.html
۳۳. وحید خراسانی، حسین، منهاج الصالحین، بی جا، بی نا، بی تا.